

حل اختلافات میان دو کشور به نام کمیسیون دلتا تشکیل شود. این کمیسیون سه عضو داشته که رئیس کمیسیون یک امریکایی انتخاب شده است و دو کارشناس شیلیایی و کانادایی همراهش بودند. واقعیت این است که این کمیسیون منافع عمده منطقه سیستان و مهم‌تر از همه تالاب‌های بین‌المللی هامون را نادیده می‌گیرد. نتایج کمیسیون مورد تأیید ایران قرار نمی‌گیرد اما اینکه چه اتفاقی می‌افتد که در نهایت در سال ۱۳۵۱ معاهده بر مبنای نتایج کمیسیون ۱۳۳۰ یا همان کمیسیون دلتا منعقد می‌شود، نیاز به کاوش‌های تاریخی جدی دارد. آقای اسدالله علم در کتاب خاطراتش اشاره می‌کند یکی از اصلی‌ترین موضوعات منطقه سیستان، رودخانه هیرمند است و معاهده، منافع تاریخی ایران را نادیده گرفته است. ایشان در کتابش به کلمه جالبی اشاره می‌کند به نام «اربابان نامرئی» که این احتمالاً مهم‌ترین مؤلفه‌ای بوده که منجر به عقد معاهده ۱۳۵۱ شده است. عموماً رد پای طرف سوم در ماجرای همکاری‌ها یا اختلافات ایران و افغانستان بر سر هیرمند بسیار برجسته است.

با بررسی تاریخی روند این اختلافات مسأله‌ای که پیش می‌آید این سؤال است که پس از هر گذر حدوداً ۳۰ ساله تاریخی و وقوع خشکسالی با همین دوره زمانی، اختلافات میان دو سوی آب افزایش یافته و به دنبال آن عهدنامه جدیدی برای حل مشکل مطرح شده و نکته جالب توجه اینکه هر بار سهم ایران از آب این رودخانه کمتر از قبل شده است. اینکه علت تاریخی این مسأله چه بوده و چرا در طول تاریخ سهم ایران به طور متناوب کاهش یافته موضوعی است که نیاز به بررسی‌های تاریخی عمیق در خصوص مناسبات قدرت در دوران قاجار و پهلوی و کاوش‌های دقیق درباره صورت‌بندی قدرت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. معاهده ۱۳۵۱ هیرمند آخرین سندی است که پس از حدود ۱۵۰ سال اختلافات آبی میان ایران و افغانستان در مورد رودخانه هیرمند تنظیم و مبادله شده است. بر اساس این معاهده، طرف افغان متعهد به تحویل ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب به طرف ایران شده است؛ معاهده‌ای که نیازهای سیستان را در آن زمان نیز پوشش نمی‌داد چراکه بر اساس اسناد تاریخی موجود، نیاز کشاورزی و شرب منطقه سیستان در ایران بسیار بیش از آنچه نهایتاً به آن حقاچه تخصیص داده شده، محاسبه و مطرح شده است. از نکات بسیار مهم در مورد معاهده ۱۳۵۱ هیرمند این است که هیچ اشاره‌ای به حقاچه محیط‌زیستی تالاب‌های بین‌المللی هامون به عنوان میراث مشترک مردمان ایران و افغان در منطقه سیستان قدیم نشده و ۸۲۰ میلیون مترمکعبی که در این معاهده در نظر گرفته شده تنها مربوط به مصارف شرب و کشاورزی ایران است؛ زیرا به علت شرایط آن زمان و اینکه موضوعات محیط‌زیستی